

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی
فرستنده: بابک آزاد
۲۶ دسمبر ۲۰۱۲

به یاد گرامی رفیق حمید مؤمنی

"این رفیق از دانش سیاسی زیادی برخوردار است. شاید کسی در برخورد اول او را صرفاً یک روشنفکر تلقی می کرد ولی او روشنفکر اهل عمل است. برخورداری او از حد بالایی از صداقت انقلابی شخصیت برجسته ای به او داده". این، اظهار نظر رفیق حمید اشرف در مورد چریک فدائی خلق، رفیق حمید مؤمنی است؛ و درست با چنین نظر و اعتقادی بود که رفیق حمید اشرف، نام "صادق" را روی رفیق حمید مؤمنی گذاشت.

من، نویسنده این سطور نیز که دوره ای را در سال ۱۳۵۳ با رفیق مؤمنی در یک پایگاه در مشهد گذراندم، می توانم گواهی دهم که در این دوره در حالی که از دانش و آگاهی های انقلابی "رفیق صادق" بهره بردم، از نزدیک شاهد صفا و صمیمیت و صداقت بی کران او در برخورد به مسایل جنبش بوده ام. صداقت او تا به آن حد بود که وقتی می خواست مطلبی را با امضای سازمان بنویسد دقت و وسواس در خوری به کار می برد تا موضوع به همان صورتی که نظر سازمان بود به خواننده ارائه شود. خودش می گفت خیلی مهم است که هر کدام از ما نظرات شخصی مان را ابتداء با دیگر رفقای سازمان در میان بگذاریم و مبادا قبل از آن در نوشته هائی که با نام سازمان منتشر می شود، نظر شخصی دخالت داده شود. رفیق مؤمنی که واقعاً به دیدگاه علمی مجهز بود و توانائی آن را داشت که مسایل جنبش را با دید علمی مارکسیست-لنینیستی مورد بررسی قرار دهد، هیچ وقت قلمش را برای ابراز وجود و بزرگ نمائی (به گونه ای که روشنفکران کوتاه بین انجام می دهند) به کار نمی برد بلکه همچون هر کمونیست صادق دیگر با همه وجود می کوشید که علم و دانش انقلابی خود را همواره در خدمت کارگران و زحمتکشان و برای پیشبرد امر مبارزه انقلابی قرار دهد.

اواخر سال ۱۳۵۱ و اوایل سال ۱۳۵۲ سالی بود که ثمره مبارزات انقلابی چریکهای فدائی خلق و دیگر نیروهای مسلح در جامعه خود را در روی آوری نیروهای مختلف به سوی سازمان های مسلح انقلابی نشان می داد. در همین دوره بود که رفیق مؤمنی نیز به همراه رفقای فراموش نشدنی، زهت و بهمن روحی آهنگران به چریکهای فدائی خلق پیوست (رفقای دیگری نیز از گروه آن ها، چون رفقای گراندرد، اعظم روحی آهنگران و زهرا آقا نبی قلهدکی که هر دو از زنان کمونیست فدائی بودند که در سال ۱۳۵۵ حکم اعدام رژیم شاه در موردشان به اجراء در آمد، متعاقباً به درون سازمان آمدند). از طرف دیگر در همین دوره بود که فرد مبارزی نیز به نام مصطفی شعاعیان که در آن زمان با سازمان مجاهدین خلق ارتباط داشت، از طریق آن سازمان با رفیق حمید اشرف آشنا و بعد در شرایط

خاصی در ارتباطی نزدیک با سازمان قرار گرفت. او کتابی به نام "شورش" نوشته بود و اصرار داشت که آن کتاب با نام او از طرف چریکهای فدائی خلق انتشار بیرونی یابد و از این نظر شدیداً رفیق حمید اشرف را تحت فشار قرار داده بود. اما رفقای رهبری با توجه به درک های ارائه شده در کتاب شورش در باره مبارزه مسلحانه که با تئوری چریکهای فدائی خلق در مورد این مبارزه در تباین آشکار قرار داشت و همچنین به دلیل نظرات ضد لنینی این کتاب، با این امر مخالفت کرده و به امید آن که بتوانند موفق به تصحیح دیدگاه های نادرست نویسنده آن بشوند، رفیق مؤمنی را در ارتباط با وی قرار دادند. رفیق مؤمنی که به عنوان یک مارکسیست - لنینیست راستین فردی مسلط بر نظرات لنین بود و به خاطر دانستن زبان روسی، بسیاری از آثار لنین و همچنین مطالب مختلف در ارتباط با انقلاب روسیه و تاریخ شوروی را به همان زبان اصلی آن آثار یعنی به روسی خوانده بود، مدتی را صرف بحث و گفت و گو با مصطفی شجاعیان نمود. ولی به گفته رفیق مؤمنی هر چه این بحث و گفت و گو بیشتر پیش رفت، آن دو بیشتر از هم فاصله گرفتند. در واقع اختلاف نظر و مغایرت بینش و طرز برخورد شجاعیان نسبت به مسایل جنبش و با کمونیسمی که چریکهای فدائی خلق آن را نمایندگی می کردند، آن قدر عمیق بود که امکان یگانگی و نزدیکی واقعی بین او و چریکهای فدائی خلق نمی توانست به وجود آید. رفیق مؤمنی که جهت آشکار کردن حد مغایرت بینش او با چریکهای فدائی خلق اقدام به نقد کتبی نظرات شجاعیان مندرج در کتاب "شورش" کرده بود، حاصل تلاش خود را در کتابی نوشت که خود نام با مسمای "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب" روی آن گذاشت. این کتاب رفیق حمید مؤمنی در درون سازمان مورد مطالعه قرار گرفته و با استقبال رفقاء مواجه شد. رفقای سازمان بر این باور بودند که "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب" صرفنظر از این که در چه رابطه ای نوشته شده، اساساً یک اثر آموزشی ارزشمند می باشد.

امروز که این سطور را می نویسم رفیق فراموش نشدنی صبا بیژن زاده را به خاطر می آورم که مشتاقانه بر اهمیت کتاب "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب" در رابطه با آموزش های ارزشمند آن تأکید داشت و همواره مطالعه و مطالعه مجدد این کتاب را سفارش می کرد. در همان روزهای اول که ما همدیگر را دیدیم در حالی که همین کتاب را در دست گرفته بود در مورد مطالب آن با من صحبت کرد. او با اشتیاق تمام تأکید می کرد که: "این امر که کتاب "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب" در رد نظرات چه کسی نوشته شده اهمیت چندانی ندارد، مسأله مهم در مورد این کتاب مطالب ارزشمندی است که در آن درج شده. وقتی آن را مطالعه می کنی خیلی چیزها از آن یاد می گیری. هم دانش مارکسیستی و سواد سیاسی ات بالا می رود و هم دید هر چه علمی تری نسبت به مسایل جنبش پیدا می کنی." این ها سخنانی بود که رفیق صبا با تأکید و اعتقاد کامل در مورد کتاب مذکور بیان می کرد.

رفیق صبا بیژن زاده به همراه رفیق مرضیه احمدی اسکوئی قبل از پیوستن به سازمان، با مصطفی شجاعیان، نویسنده کتاب شورش در ارتباط بودند. از این رو هر دوی این رفقاء وی را از نزدیک می شناختند. در مقطعی فرصت هائی پیش آمد که آن ها هر یک به طور جداگانه با من از برخوردهای شجاعیان که آن ها را بسیار بد و نادرست توصیف می کردند، صحبت کردند. این دو رفیق به خصوص از زاویه ای از او بسیار خشمگین و عصبانی بودند، چرا که مطرح می کردند که در گذشته از او که می توانست آن ها را به چریکهای فدائی خلق وصل کند مصراً و به طور مدام می خواستند که این کار را انجام دهد ولی شجاعیان با بی صداقتی به بهانه های مختلف از این کار طفره رفته بود و می گفتند که او حساب های کاسبکارانه در کارش بود. رفیق مرضیه از جدل هائی که در این رابطه با شجاعیان داشت صحبت می کرد و رفیق صبا هم می گفت که مطرح می کردیم که ما خود را از آن

چریکهای فدائی خلق می دانیم و می خواهیم همه نیرو و انرژی مان در خدمت پیشبرد مبارزه چریکهای فدائی خلق قرار گیرد (به واقع نیز در آن مقطع سازمان شدیداً به نیروی انسانی، به وجود مبارزان صدیق و انقلابی در درون خود نیازمند بود). بعداً، در اوائل سال ۱۳۵۲ رفقاء صبا بیژن زاده و مرضیه احمدی اسکوئی بعد از ضربه ای که توسط ساواک به گروهشان وارد شد، مستقلاً به سازمان پیوستند؛ و در چنین شرایطی بود که مصطفی شجاعیان نیز در ارتباطی نزدیک با سازمان قرار گرفت - که البته این ارتباط ادامه پیدا نکرد و پس از مدتی از طرف سازمان قطع شد.

در اینجا لازم به ذکر است که امروز وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی از طریق کسانی که در خدمت این وزارت جنایتکار قلم می زنند، ارتباط و سپس قطع ارتباط مصطفی شجاعیان با سازمان چریکهای فدائی خلق را به دستمایه ای جهت تخطئه نظرات و مبارزات چریکهای فدائی خلق در دهه ۵۰ قرار داده است. اما چه بدبخت این وزارت و نان آلوده خورهایش که مجبوراند برای از بین بردن تصویر محبوب چریکهای فدائی خلق در دل های کارگران و زحمتکشان و توده های آگاه ایران، خود را در پشت کسی قائم کنند که با هر نظر انحرافی و خطاهائی هم که داشت و حتا در مواردی با کینه توزی و توهین در مورد برخی از رفقای ما برخورد کرده است، اما به هر حال یک فرد مبارز ضد رژیم شاه بود. آری، مصطفی شجاعیان نه تنها همچون قلم به مزدانی که امروز به تمجید از او می پردازند هرگز با ارتجاع کنار نیامد بلکه حتا جانش را هم در مبارزه با ارتجاع از دست داد. او در مبارزه با ساواکی شهید شد که وزارت اطلاعات در تداوم آن به وجود آمده و امروز هم برای تطهیر آن ارگان شکنجه، ترتیب مصاحبه با "مقام امنیتی" اش را می دهد و کتاب برایش چاپ می کند.

به همان صورت که من در سخنرانی به مناسبت چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کانادا یاد آور شدم مرتجعینی که امروز قلم خود را در خدمت به وزارت اطلاعات به کار می برند، برای این که بتوانند در اذهان نسل جوان کنونی اغتشاش ایجاد کنند، به مصطفی شجاعیان مقام "نظریه پرداز نسل دهه ۵۰" اعطاء می کنند، آن هم در حالی که جوانان دهه ۵۰ در ایران اصلاً از وجود و نظرات شجاعیان اطلاعی هم نداشتند. دلیل این واقعیت آن بود که در واقع شجاعیان در شرایط اختناق دوره شاه از امکان توزیع وسیع نوشته هایش در جامعه محروم بود و تنها می توانست آنها را در اختیار نزدیکان خود قرار داده و در حد بسیار محدودی پخش کند - کما این که کتاب "شورش" را هم در همان حدود به قول خود پراکنده بود. این خود یکی از علت های بود که وی اصرار داشت که تشکیلات چریکهای فدائی خلق به انتشار و پخش کتاب او مبادرت ورزد. دلیل مهم دیگر در اصرار او به انتشار کتابش از طرف سازمان، مسلماً آگاهی او از اعتبار و محبوبیت چریکهای فدائی خلق در میان توده ها و روشنفکران مبارز و خواست استفاده از این موقعیت به نفع نوشته خود بود. شجاعیان بعدها کتاب شورش که حال نام "انقلاب" روی آن گذاشته و تغییراتی هم در متن آن داده بود را برای دوستانش در خارج از کشور فرستاد که در آن جا منتشر شد.

اما تا آن جایی که به کتاب "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب" از چریک فدائی خلق، رفیق حمید مؤمنی بر می گردد، اهمیت این کتاب اساساً در آموزش های علمی و مارکسیست-لنینیستی نهفته در آن می باشد. این امری است که رفقای سازمان نیز همانطور که ذکر شد در همان زمان روی آن تأکید داشتند، از جمله رفیق گرانقدر کبیر، فریدون جعفری را به یاد می آورم که با تأیید کتاب نوشته شده توسط رفیق صادق (رفیق حمید مؤمنی)، از آموزش های آن در مورد شوراهای کارگری، ارتش سرخ و مسایل دیگری که در این کتاب آمده است، با حرارت صحبت می کرد و در همین رابطه از عظمت مبارزات کارگران و زحمتکشان روسیه برای ایجاد ساختمان سوسیالیسم در جامعه خود با ستایش یاد می کرد.

انتشار کتاب "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب"، امروز نیز درست از همان زاویه ای صورت می گیرد که رفقانی که متأسفانه امروز دیگر در میان ما نیستند به آن باور داشتند و رفیق صبا به طور ویژه روی آن تأکید داشت. به خصوص که در حال حاضر، در شرایطی که نیروهای متعلق به بورژوازی در جبهه ای وسیع و به هر طریق ممکن و حتا با نام کمونیسم و طبقه کارگر، علیه کمونیسم راستین و نظرات پرولتری، زهرهای تبلیغاتی خود را می پراکنند تا هم مبارزات نیروهای انقلابی در جامعه را به انحراف بکشانند و هم مانع از گسترش مبارزات واقعاً انقلابی گشته و آهنگ چنین مبارزاتی را کند سازند، اشاعه آموزش های مارکسیست-لنینیستی از اهمیت وافری برخوردار است. این همان واقعیتی است که امروز انتشار کتاب ارزنده کمونیست فدائی، رفیق حمید مؤمنی را ضروری ساخته است.

در مقدمه طولانی نوشته شده توسط خود رفیق مؤمنی، آشکار می شود که رفیق در این کتاب وظیفه دفاع از لنینیسم در مقابل نظراتی را به عهده گرفته است که بدون تشخیص "عناصر تشکیل دهنده لنینیسم و شرایط و علل پیدایش لنینیسم"، ناتوان از طرح مسایل اساسی لنینیسم، و حتی ناتوان از ارائه تعریف یا به قول خود رفیق "شبه تعریفی" از لنینیسم، آن را مکتبی نادرست و انحرافی خوانده و به رد آن می پردازند؛ و آن گاه با قیافه حق به جانب، به لنینیست های راستین اتهام می زنند که گویا لنین را خدا کرده اند. در باره این اتهام، رفیق مؤمنی درحالی که می گوید: "این نخستین و اولین حمله روشنفکران لیبرال به مارکسیسم - لنینیسم است که مارکسیست - لنینیست ها را به "پرستندگان خشکیده مغز"، "مذهبیون جدید" و غیره متهم می کنند"، از زوایای گوناگون و به طور موشکافانه به اندیشه های مختلف ضد لنینی بر خورد کرده و به توضیح و تشریح موضوعات مختلف که گاه جنبه تاریخی آن موضوعات را هم در بر دارد، می پردازد.

تشریح و توصیف بعضی از مسایل فلسفی چون فرمالیسم، اِکلکتیزم، مطلق گرایی، منطق صوری و غیره در کتاب، به خواننده در فهم مسایل مختلف جنبش یاری خواهد رساند. به طور کلی خواننده در لابه لای کتاب به بحث های جالب و بسیار مفیدی که در این جا امکان ذکر همه آن ها نیست برخورد خواهد کرد. مثلاً در این کتاب در مورد شعار "انقلاب مداوم" و به اصطلاح مخالفت با "سوسیالیسم در یک کشور"، در باره انقلاب اکتوبر، تحریفات روشنفکران بورژوازی غرب در مورد این انقلاب و شوروی دوره لنین و غیره بحث شده است. همچنین در رابطه با جامعه ایران مسایل مختلفی از جمله در ارتباط با بورژوازی ملی و تضادش با بورژوازی امپریالیستی، در مورد شیوه مبارزه و نگرش نسبت به مبارزه مسلحانه انقلابی با طرح چنین امری:

" این کاملاً مسلم است که ما نمی توانیم هرگونه مبارزه مسلحانه ای را با هرگونه هدفی و هرگونه شعاری بپذیریم" و غیره از نظر خواننده خواهد گذشت.

در فصل زبان، قرارداد فردی یا قرارداد اجتماعی؟ رفیق مؤمنی با شیوه کاملاً علمی به این موضوع می پردازد. با توجه به این امر که در حال حاضر در رژیم جمهوری اسلامی به غیر علمی ترین شکل با زبان فارسی و کلمات موجود در این زبان برخورد می شود، این فصل امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

رفیق حمید مؤمنی در این کتاب پر محتوای خود به درستی روی نکته مهمی انگشت گذاشته و مطرح می کند: "هر مسأله ای ارتباط دیالکتیکی با مطرح کننده خود دارد. البته در مورد تمام مسایل این امر صادق است، منتها در مورد مسایل اجتماعی به ویژه سیاسی این ارتباط دقیقاً قابل توجه و بررسی است. گاهی یک مسأله اجتماعی و سیاسی را بدون در نظر گرفتن رابطه آن با مطرح کننده اش و نیز شرایط خاص مطرح شدنش نمی توان مورد

بررسی قرار داد". این موضوع در مورد همین کتاب که در بطن یک شرایط ملت‌هت در جامعه نوشته شده و همچنین در مورد نویسنده انقلابی اش، چریک فدائی خلق، رفیق حمید مؤمنی نیز صادق است.

وقتی یک نیروی کمونیستی در جامعه شکل گرفت و به دلیل نفوذ در دل کارگران و زحمتکشان از قدرت و اعتباری برخوردار گردید، تفکرات غیر پرولتری تجسم یافته در کالبد این یا آن فرد یا افراد بورژوا و یا خرده بورژوا، سعی در نفوذ در آن جریان می کنند تا بتوانند در جهت اهداف بورژوائی و یا خرده بورژوائی خود از آن نیرو بهره برداری کنند. در مقطعی که کتاب "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب" نوشته می شد چنان خطری نیروی چریکهای فدائی خلق را به مثابه یک تشکیلات کمونیستی، کاملاً تهدید می کرد. اما این نوشته و دیگر نوشته های رفیق مؤمنی (علی رغم هر کاستی و کمبود و اشتباهی هم که داشته باشند که در جای خود می توان به آن ها پرداخت) تا حدی و تا مقطعی به سدی در مقابل نفوذ برخی تفکرات غیر پرولتری در این تشکیلات پرولتری که بیان گر نظرات و ایده ها و آرمان های طبقه کارگر ایران بود، تبدیل شد و از این لحاظ بزرگترین خدمت را در آن سال های مشخص به انسجام نظری و تشکیلاتی چریکهای فدائی خلق نمود.

رفیق حمید مؤمنی با دانش مارکسیستی-لنینیستی خود خدمات زیادی به جنبش کمونیستی ایران کرده که لازم است در زندگی نامه این رفیق قید شود، در هر حال یاد او همواره در این جنبش زنده و جاوید خواهد ماند. او به مثابه یک کمونیست فدائی پس از سال ها مبارزه سخت و پی گیرانه در راه سوسیالیسم، در ۲۳ بهمن [دلو] سال ۱۳۵۴ در یک درگیری خیابانی با مأموران ساواک به شهادت رسید و خون سرخش پرچم رهائی کارگران و زحمتکشان ایران را رنگین تر ساخت.

می دانیم که این روزها مارکسیزم-لنینیزم مورد یورش شدید بورژوازی قرار گرفته و ارتش بزرگی از قلم به دستان متعلق به جرگه سرمایه داران و یا متعلق به دسته ای از تاریک فکران کوتاه بین خرده بورژوا که گاه خود هم نمی دانند به تکرار طوطی وار سخنان کدام اتاق فکر بورژوائی مشغولند، از هر سو ایدئولوژی و مکتب طبقه کارگر را مورد تهاجم قرار داده و به این ترتیب از جبهه بورژوازی، قلب زرادخانه پرولتاریا را نشانه گرفته اند. در چنین شرایطی امیدوارم مطالعه اثر ارزشمند "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب"، در خدمت جوانان مبارز ایران و همه کسانی قرار گیرد که ضمن کوشش برای درس گیری از مبارزات چریکهای فدائی در دهه ۵۰، در جهت رشد و ارتقای آگاهی انقلابی خود با جدیت تلاش می کنند و به خصوص کمکی باشد به شیوه برخورد درست با مارکسیزم-لنینیزم.

کتاب "شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب" شامل یک مقدمه بلند و دو بخش است بخش اول: کلیات و بخش دوم: مسایل مطرح شده در کتاب شورش نام دارد. در اینجا ابتداء تنها یک قسمت از این کتاب (مقدمه و فصل اول از بخش اول) که حجم کمتری از کتاب را در بر می گیرد، ارائه می شود. پس از آن همه کتاب یک جا منتشر خواهد شد. همچنین لازم به یادآوری است که قسمت هائی که به طور برجسته نشان داده شده کار خود رفیق مؤمنی نیست و مربوط به این نسخه از انتشار کتاب اوست.

آذر [قوس ۱۳۹۱]